

# معصومیت از دست رفته و دولت فیلمنامه‌نویس!

جریان مسلط بر سینمای هالیوود نیست اما همیشه آتش‌های بزرگ با جرعه‌های به ظاهر کوچک آغاز می‌شوند. در تاریخ اعتقادی ما جرعه‌هایی (دقیقاً جرعه‌هایی) هستند که به شدت مسخره شدند ولی هم‌اکنون میلیاردها انسان از گرمای آن بهره می‌برند.

۴. یکی دو نقل قول دیگر و عرض تمام و خلاص! ژان لوک گدار که در دهه ۶۰ همیشه از سخت‌گیری‌ها و دخالت‌های تهیه‌کننده‌ها دلخور بود، اخیراً گفته است که من اشتباه می‌کردم آن سخت‌گیری‌ها منجر به ساخته شدن فیلم‌های بهتری شده است! فیلم **جن گیر** (نمی‌دانم چند) یک بار توسط یک کارگردان بزرگ ساخته شده و توسط تهیه‌کننده، نه اصلاح که به طور کامل کنار گذاشته شده و فیلم دیگری ساخته شده است. البته سخت‌گیری‌ها اغلب مضمونی نیست بلکه به ساختار و جذابیت فیلم و فیلمنامه مربوط می‌شود.

۵. بالاخره رسیدیم به حرف اصلی و آخر که از ضرب و تقسیم موارد بالا می‌خواهم نتیجه‌گیری کنم. امسال (در جشنواره ۲۳) تعداد فیلمنامه‌نویسان مستقل از ۵ به ۶ نفر افزایش یافته است. بله درست خواندید یک نفر بیشتر، اما می‌دانیم که برای اضافه شدن همین یک نفر باید روی استعداد صدها نفر سرمایه‌گذاری کرد و بخش کوچکی از آن - که کم هم نیست - انتشار همین فیلم‌نگار است. مدیریت سینمایی کشور، بنا نبوده و نیست که فیلمنامه بنویسد اما بنا داشته و دارد که به ضرورت، گاهی برای فیلمنامه‌های متوسط هم امکان ساخت فراهم کند تا رشد استعدادها در جریان عمل اتفاق بیفتد. زیرا حاکمیت سرمایه، اغلب انگیزه و فرصت سرمایه‌گذاری تربیتی، کلان و آینده‌نگر را ندارد و بیشتر از نیروهای آماده و امتحان پس داده استفاده می‌کند. بنابراین، به نظر می‌رسد که دوره سخت‌گیری از نوع ساختاری و دراماتیک در مورد فیلمنامه و کارگردانی باید کلید بخورد. بالاخره، روزی خواهد رسید که برتر از ژان لوک گدارهای ما، خود را وامدار این حساسیت‌ها بدانند  
بخشید از این که سر مقاله ما عیدانه نبود. قرار ما با همکاران این بود که به جای بهاریه‌های مرسوم، مطالب شماره نوروزی فیلم‌نگار عیدی به خوانندگان عزیز باشد.

سر دبیر

جشنواره پایان یافته ۲۳ و هیاهوهای کاهش یافته آن، فرصتی را فراهم کرده است تا در مورد آن از زاویه‌ای دیگر بحث کنیم.

۱. این که در سینمای مسلط هالیوود به دلیل رشد تکنولوژی ارزش فیلمنامه کاهش یافته نکته تأمل برانگیزی است. نه این که تکنولوژی قادر است هر فیلمنامه‌ای، ولو آبکی‌ترین آنها را به فیلمی جذاب تبدیل کند بلکه از آن جهت که شگفتی حاصل از تروکاژهای عجیب و غریب فرصت تأمل درباره نواقص فیلمنامه‌ها را به تماشاچی نمی‌دهد.

۲. تمهید دیگری که در سینمای هالیوود به پوشش دادن نقص فیلمنامه کمک می‌کند - و البته باز هم بی‌ارتباط با تکنولوژی نیست - موضوعات و شخصیت‌های عجیب و غریب است. در یک نظرسنجی از مردم آمریکا غم‌انگیزترین صحنه سینمایی مورد پرسش واقع شده بود. فکر می‌کنید کدام تراژدی انسانی مورد توجه بوده است؟ ذهنتان را آزار ندهید. خداحافظی ای‌تی در صدر غم و اندوه سینمای مردم آمریکا بوده است! این قدرت سینماست که از موجودی خیالی، جریانی شدید از احساس و عاطفه را می‌سازد. البته همه فیلم‌های هالیوودی این گونه نیست. و باز هم البته این جملات بیشتر معترضه بودند و معنای دقیق‌تری در ایام محرم و صفر می‌یابند که از آن می‌گذرم. خلاصه مطالب بالا همین است که بگوییم به دلیل ضعف تکنولوژی، بار سنگین‌تری بر دوش فیلمنامه‌نویس ایرانی است.

۳. به رغم تمام کاستی‌ها، بخش کیفی سینمای ایران در حال تأثیرگذاری بر سینمای هالیوود است! بله درست خواندید هالیوود و نه بالیوود! قطعاً کسانی که به توانایی‌های هنرمندان ایرانی و ریشه‌های اعتقادی آنها باور دارند به جمله بالا نخواهند خندید. جناب الکساندر پین، سازنده فیلم‌های شاخصی چون Side away در مصاحبه‌ای گفته است که سینمای آمریکا با معصومیت گم شده و از دست رفته روبرو است و راه بازگشت هالیوود به این معصومیت را باید در سینمای ایران جست‌وجو کرد! چه کسی است که نداند اگر سینمای قدرت‌مند هالیوود، معصومیت از دست رفته‌اش را باز یابد، اخلاق چه قدرتی پیدا خواهد کرد و چقدر هیجان‌انگیز است که ریشه‌های قدرت اخلاقی دنیا در سرزمین ما پا گرفته باشد! باور کنید من هم می‌دانم که الکساندر پین نماینده